

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع. شفق

۰۶ فیروزی ۲۰۲۲

سخنی کوتاهی درباره اهمیت مبارزات جاری و وظیفه روشنفکران!

اعمال سیستماتیک سرکوب عریان توده های مبارز و حق خواه ایران، نموداری است که شدت تضاد بین کارگران و دیگر توده های ستمدیده در ایران با رژیم جمهوری اسلامی به مثابه حافظ منافع امپریالیست ها را آشکار می سازد. در واقع، این حدت و شدت و گستردگی تضادهای طبقاتی در جامعه ایران است که اعمال دیکتاتوری خشن و سرکوب وحشیانه مبارزات حتی مسالمت آمیز توده ها را برای رژیم ضدخلقی حاکم جهت حفظ منافع امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته داخلی ضروری ساخته است. اما کارگران و دیگر ستمدیدگان شجاع ایران درست در بطن چنین دیکتاتوری و سرکوب های وحشیانه است که به پا خاسته و علیه وضع ظالمانه موجود دست به مبارزه می زنند. در درک ابعاد نارضایتی و مبارزات مردمی کافیست اشاره شود که تنها در فاصله دو روز در ۲۵ و ۲۶ دی ماه [جدی] (۱۴۰۰)، ۱۲۰ اعتصاب و تجمع اعتراضی از سوی کارگران، بازنشستگان و مستمری بگیران به جان آمده و گرسنه علیه جمهوری اسلامی و شرایط وحشتناک معیشتی مردم در تهران و شهرستان ها به وقوع پیوسته است. این در حالی ست که تنها در مورد بازنشستگان رنج دیده، آمار منتشره حکایت از این دارد که از زمستان گذشته که هزاران تن از بازنشستگان کارگری و کارمندی برای تعقیب مطالبات خود به خیابان ها آمده اند، حداقل ۲۵۰ حرکت اعتراضی در بیش از ۲۰ شهر ایران برگزار شده که اکثراً با برخورد قهرآمیز و سرکوب وحشیانه و دستگیری فعالان این جنبش ها مواجه شده است. دامنه حرکات اعتراضی علیه فقر، گرانی و تورم و سرکوب حتی ادارات دولتی را نیز در بر گرفته است تا جایی که در یکی از برجسته ترین این حرکات که در گزارشات خبرگزاری ها با صفت "بی سابقه" از آن یاد شده است، کارمندان قوه قضائیه و دادگستری رژیم نیز علیه شرایط معیشتی وخیم خود دست به اعتصاب و اعتراض زدند و شعارهای "مرگ بر دولت"، رئیس دروغگو، در تظاهرات این قشر سر داده شد.

برای داشتن یک تصویر روشنتر از ابعاد و شمار فزاینده اعتراضات توده‌ای، گزارش زیر نیز قابل توجه است: به گزارش "راديو فردا"، "سازمان «مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» در گزارش سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۲۱، از برگزاری ۲۵۴۱ تجمع و اعتصاب صنفی و کارگری شامل ۱۲۶۱ تجمع صنفی، ۱۹۲ اعتصاب صنفی، ۶۱۸ تجمع کارگری، ۳۳۹ اعتصاب کارگری و ۱۳۱ مورد اعتصاب غذای زندانیان خبر داده است". این آمار - بنا به ماهیت انتشاردهندگان آن- گرچه به هیچ رو تمام حقیقت را منعکس نمی کند، اما گوشه ای از شدت و وسعت مبارزات توده‌ای را به نمایش می گذارد.

در توصیف علل و تحلیل مبارزات و جنبش های اعتراضی جاری در ایران، دستگاه های ارتباط جمعی رسمی همواره کوشیده اند ماهیت آنها را اقتصادی جلوه دهند. اما برخلاف این ایده انحرافی، حرکات وسیع و روزمره توده ای در شرایط کنونی به هیچ وجه در حیطه مطالبات "اقتصادی" محدود نبوده و مستقیماً در ارتباط با خواست های سیاسی توده های به جان آمده ما قرار می گیرند. درست است که جرعه بسیاری از این اعتصابات و اعتراضات و شورش ها با اعتراض به نداشتن نان شب و عدم پرداخت حقوق و دستمزدهای ناکافی و گرانی و تورم و ... زده می شود، اما همگان شاهدند که شعارهای این اعتراضات و اعتصابات و سخنرانی هایی که توسط کارگران یا قشرهای مختلف مبارز صورت می گیرد و در آنها رژیم جمهوری اسلامی مستقیماً به مثابه عامل فقر و اجحاف و تبعیض مورد خطاب و افشاکاری قرار می گیرند و شعارهایی در مورد آزادی زندانیان، شعارهایی که با تجربه سرکوبگری های جمهوری اسلامی علیه رژیم با عنوان "بجنگ تا جنگیم" (ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا جنگیم) سر داده می شود، همگی از ماهیت سیاسی این اعتراضات حکایت می کنند. به خصوص در بستر برخورد قهرآمیز سریع نیروهای سرکوب رژیم به مبارزات توده ها، معترضین بدون کمترین وقفه ای، به طور صریح و مستقیم دستگاه های دولتی، ماشین سرکوب، ولایت فقیه (به مثابه راس نظام دیکتاتوری حاکم)، و کلیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را هدف می گیرند و شعارهای مستقیم و رادیکال سیاسی بر این مبارزات حاکم می شود.

در توصیف شدت و رادیکالیسم این مبارزات می توان مشاهده کرد که توده های به جان آمده ما در تعقیب آرزوی واحد ۴۳ ساله خود یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انقلاب علیه وضع ظالمانه کنونی در تجمعات جاری با شجاعت تمام با کلمات و زبان های مختلف شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "بجنگ تا جنگیم" را سر می دهند و فریاد می زنند "نوبت نابودی شماست!" مثلاً در همین جنبش های توده ای دی ماه ۱۴۰۰، از زبان یک زن مبارز بازنشسته شنیدیم که در مقابل چشمان حیرت زده و هراسناک مزدوران تا بن دندان مسلح رژیم فریاد بر آورد که "اگر بخواهیم ما انتقام بگیریم از شما، از روز اول انقلاب تا حالا را می گیریم. (تشویق جمعیت) ما بهترین جوون هامون رو دادیم، عزیزترین جوون هامون رو دادیم تا کشورمون آباد بشه تا وطنمون وطن بشه شما همه چیز رو نابود کردید (تشویق جمعیت و شعار صحیح است صحیح است) و حالا نوبت نابودی شماست! (هلهله جمعیت)". سخنان این زن شجاع که با کلماتی ساده ولی قاطع، به سرمداران جمهوری اسلامی پیام داد که برای "انتقام" گرسنگان و محرومان آماده باشند، در واقع بیان خواست همه ستمدیدگان جامعه ایران است.

اوضاع توصیف شده در فوق، نمایانگر شدت تضادهای طبقاتی موجود و عمق بحرانی است که نظام سرمایه داری وابسته ایران و رژیم پاسبان آن یعنی جمهوری اسلامی را در بر گرفته است. از دل این بحران است که امواج سهمگین مبارزات و شورش های توده ای هر بار قوی تر از سابق شکل می گیرند و ظاهر می شوند.

در چنین شرایطی شعارها و سخنرانی هایی که در مبارزات جاری توده ها شاهد هستیم بیانگر وجود سطح بالائی از آگاهی انقلابی در آنهاست. می بینیم که شکاف طبقاتی عمیق در جامعه، به تاراج دادن ثروت های مردم ایران برای تقویت نیروهای ارتجاعی در منطقه به قیمت تحمیل فقر و فلاکت در سطحی بسیار گسترده به مردم ایران و مسائلی از این قبیل مورد توجه آنها قرار دارد. سردادن شعارهای رادیکالی که کل رژیم و نظام را نشانه می روند، افشای افسانه اصلاح طلبی، شعارهای ضد استبداد و دیکتاتوری علیه هر دو رژیم ضد خلقی شاه و مهمتر از همه دست یازیدن به اعمال قهر انقلابی و شیوه های رادیکال مبارزاتی در جریان این جنبش ها بیانگر وجود حد اعلای آمادگی توده ها برای برداشتن بار انقلاب در زیر رهبری یک تشکل پرولتری مسلح به تئوری انقلابیست.

برخی نیروهای متزلزل و سازشکار می کوشند تا با دست گذاردن بر بخشی از واقعیت، یعنی "بی سر" بودن این جنبش ها و "خودبخودی بودن" آنها، شرکت در این جنبش ها را تقبیح کرده و آنها را بیهوده جلوه دهند. به این ترتیب آنها بی وظیفه‌گی خود در مقابل توده ها و حرکات بزرگ آنان را به نمایش گذاشته و پاسیفیسم آشکار خود را نشان می دهند و با این سیاست خواسته و یا ناخواسته بر عمر و بقای این نظام ننگین و ضد خلقی می افزایند. این یک واقعیت سرسخت زمینی است که در فقدان تشکل و در غیبت وجود یک سازمان مسلح به تئوری انقلابی در راس این مبارزات، این جنبش های خودبخودی به سرنگونی رژیم حاکم و کسب آزادی و رهائی منجر نمی گردند. اما باید دانست و تأکید کرد که این جنبش ها مهیا کننده و تسریع کننده زمینه انقلاب اجتماعی هستند. آیا کسی می تواند منکر این حقیقت شود که مبارزات جاری بهرغم هر محدودیتی هر بار بر شدت تضادهای درون نظام استثمارگرانه موجود و طبقه حاکم می افزایند؟ و آیا بدون چنین جنبش هایی هیچ دگرگونی و انقلابی را می توان در جامعه متصور شد؟ واقعیت این است که این جنبش ها درس های گرانبھائی را در اختیار توده های شرکت کننده و بویژه جوانان آگاه و مبارز می گذارند؛ و در پرتو چنین جنبش های خودبخودی است که نطفه های آگاهی هر چه بیشتر در میان توده های مبارز شکل می گیرد. عناصر آگاه و روشنفکران انقلابی نیز با شرکت در همین جنبشهاست که می توانند به بالا بردن سطح آگاهی و تجربه خود جهت متشکل شدن و کمک به رشد و ارتقاء مبارزات توده ها یاری رسانند. بالاخره با پیوستن به هم و ارتقاء همین جنبش ها در نقش جویبارهای کوچک و بزرگ به ریاست است که سرانجام امواج نابود کننده انقلاب دیر یا زود شکل می گیرند. تلاش برای تأثیر گذاری روی مبارزات جاری و کمک به شکل گیری یک تشکل و رهبری انقلابی بر بستر این مبارزات وظیفه تخطی ناپذیر هر نیرو و روشنفکر انقلابی ست که داعیه مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را دارد.

ع. شفق

دی [جدی] ۱۴۰۰

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۷۰، دی ماه [جدی] ۱۴۰۰